

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مازندران در مشروطه با محوریت سوادکوه

استاد راهنما: دکتر ناصر تکمیل‌همایون

استاد مشاور: دکتر یزدانی

دانشجو: مصطفی نوری

تابستان ۱۳۸۵ خورشیدی

فهرست

۵	 مقدمه
۷	 نقد و بررسی منابع
فصل یکم مازندران و سوادکوه در دوره قاجار	
۱۵	 درآمد
۱- جغرافیای طبیعی	
۱۶	 الف- موقعیت جغرافیایی
۱۷	 ب- اقلیم
۱۸	 ج- جغرافیای تاریخی و وجه تسمیه سوادکوه
۲- اوضاع اقتصادی	
۲۰	 الف- محصولات کشاورزی
۲۰	 ب- صنعت (صنایع دستی)
۲۱	 ج- معیشت در سوادکوه
۲۱	 د- راه ها
۳- جامعه و فرهنگ	
۲۳	 الف- خصوصیات قومی
۲۴	 ب- طوایف
۲۵	 ج- گویش
۲۵	 د- دین و مذهب
۲۶	 هـ- معماری
۴- تحولات سیاسی تا مشروطه	
۲۷	 الف- آقا محمد خان و سوادکوه
۳۰	 ب- واقعه قلعه شیخ طبرسی
۳۲	 ج- سوادکوه در عصر ناصری
۳۳	 د- میرزا کریم خان سوادکوهی
۳۶	 نتیجه گیری

فصل دوم مازندران و سوادکوه در عصر مشروطه (از آغاز تا فتح تهران)

درآمد ۴۱

۱- مشروطه اول در مازندران

الف- بازتاب مشروطه ۴۳

ب- انتخابات مجلس اول ۴۴

ج- تأسیس مدارس ۴۴

د- همراهی با محمدعلی شاه ۴۴

۲- خاندان باوند در دوره قاجار

الف- شجره نامه ۴۷

ب- اسماعیل خان در دوره ناصری ۵۰

ج- اسماعیل خان در پرتو نقد و نظر ۵۰

۳- مازندران و استبداد صغیر

الف- انعکاس به توپ بستن مجلس در مازندران ۵۳

ب- رویکرد خوانین مازندران به استبداد صغیر ۵۵

ج- تدارک حمله به تنکابن ۶۰

د- مقابله با پانف بلغاری ۶۴

نتیجه گیری ۶۷

فصل سوم مازندران و سوادکوه پس از فتح تهران

درآمد ۶۹

۱- تأثیر فتح تهران در مازندران

الف- مازندران مقارن با فتح تهران ۷۰

ب- عکس العمل خوانین ۷۱

ج- وضع ادارات دولتی ۷۳

د- رویارویی با دولت مرکزی ۷۵

ه- ظهیر الدوله در مازندران ۸۳

و- جریان نارنج باغ ۸۶

ز- مناسبات رشید السلطان با دولت ۹۰

۲- تأثیر بازگشت محمد علی شاه در مازندران و سوادکوه

الف- اسماعیل خان سوادکوهی و شاه مخلوع ۹۲

ب- اوضاع کشور همزمان با ورود شاه مخلوع ۹۳

ج- محمد علی میرزا در استرآباد و مازندران ۹۵

د- جنگ رشیدالسلطان اصائلو ۹۹

۱۰۱	هـ- جنگ اسماعیل خان سوادکوهی
۱۰۶	و- شکست سردار محیی در بندرجز
۱۰۹	ز- همراهی اسماعیل خان سوادکوهی با سردار محیی

۳- اسماعیل خان در مناصب دولتی

۱۱۲	الف- ریاست قشون مازندران
۱۱۳	ب- مقابله با سالار الدوله
۱۱۶	ج- قتل عظام الملک عبد الملکی
۱۱۸	نتیجه گیری

فصل چهارم مقاومت در برابر تهاجم بیگانگان

۱۲۲	درآمد
-----	-------------

۱- نخستین رویارویی امیر مؤید سوادکوهی با روس ها

۱۲۳	الف- مداخلات روس ها در ایران
۱۲۴	ب- بحران در روابط امیر مؤید و روس ها

۲- مقابله با روس ها در سوادکوه

۱۲۷	الف- تصاحب املاک مازندران توسط روس ها
۱۲۸	ب- تصرف شیرگاه توسط ژنرال پاتایوف
۱۳۶	ج- حمایت از ترکمن ها در برابر روس ها
۱۳۹	د- اخراج روس ها از شیرگاه

۳- نهضت ملی در طبرستان

۱۴۳	الف- تشکیل اتحاد ملی طبرستان
۱۴۵	ب- استرآباد و اتحاد ملی
۱۴۶	ج- کارنامه اتحاد ملی
۱۴۸	د- پیمان امیر مؤید با امپراتوری اتریش و هنگری

۴- بازتاب جنگ جهانی اول

۱۵۱	الف- مقاومت در برابر قرارداد ۱۹۱۹
۱۵۴	ب- مناسبات امیر مؤید با رضا خان سردار سپه

۱۶۲	نتیجه گیری
-----	------------------

۱۶۵	سخن پایانی
-----	------------------

۱۶۸	منابع
-----	-------------

۱۷۳	ضمایم
-----	-------------

مقدمه

انقلاب مشروطه مناسبات اجتماعی، سیاسی جامعه را متحول کرد. هر چند که کانون اصلی انقلاب مشروطه در شهرهای بزرگ همچون تهران، تبریز و گیلان بود ولی ایالات و ولایات نیز تحت تاثیر آن قرار گرفتند. با آنکه از تحولات دوران مشروطه در شهرهای بزرگ داده های نسبتاً فراوانی منتشر شده است از تحولات ایالات و ولایات اطلاعات کمی در دست است. به نظر می رسد بررسی نقش ولایات در انقلاب مشروطه و روشن شدن اتفاقات این دوره برای پژوهشهای تاریخی به ویژه به دست آوردن برداشت جامع از انقلاب مشروطه بسیار حائز اهمیت است.

اگر چه در روند سیاسی عصر انقلاب، ثبات و امنیت سیاسی، اجتماعی در ولایات به چشم نمی خورد و ناآرامی و بی نظمی همه جا را فرا گرفته بود و از پاره ای جهات بسیاری از خوانین و امرای قدرتمند محلی توان جدیدی یافتند، اما این انقلاب از جهاتی باعث شکست قدرت مطلق خوانین ولایت شد و در طبقات پایین جامعه باعث بروز اتفاقات مهمی گردید و بازتاب گسترده ای یافت. به این ترتیب که طبقات پایین جامعه (رعیت) جرأت ابراز نارضایتی از خوانین و به طور کل از کسانی را که شریان اقتصادی به دست آنها بود پیدا کردند و از اولیای دولت تقاضا می کردند حق آنها را بازستانند. در واقع دولت را مرجعی برای رسیدگی به ظلم های وارده بر خود تلقی می کردند.

در این دوران مازندران یکی از ایالات مهم ایران محسوب می شد، مناسبات سرکردگان منطقه با هم و با روسها، همسایگی آن با استرآباد خاستگاه قاجاریه، روابط با گیلان از مراکز تاثیر گذار در مشروطه، وجود اراضی حاصلخیز و تامین برنج پایتخت و عواید حاصل از دریای خزر و گمرک همه و همه بر اهمیت مازندران می افزود. بنابراین بررسی تحولات دوره مشروطه در این ولایت از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد که کمتر به آن توجه شده و آن گونه که شایسته بوده مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است. این نوشتار

بر آن است که گام کوچکی در این راستا بردارد با توجه به اینکه در این خصوص منابع دست اول مشروطیت اطلاعات کافی در اختیار نمی گذارند در این تحقیق سعی شد از اسناد موجود در مراکز آرشیوی ، اسناد چاپ شده ، اسناد موجود در دست خانواده ها ، و روزنامه های آن عصر استفاده شود.

لازم به ذکر است که در این تحقیق اسامی شهرها با نامی که در دوره مشروطه معروف بود، آمده است. به عنوان نمونه می توان از: بارفروش (بابل)، استرآباد (گرگان)، بندر جز (بندرگز)، مشهدسر (بابلسر) و علی آباد (قائم شهر) نام برد.

در پایان نگارنده از اساتید محترم دکتر ناصر تکمیل همایون استاد راهنما، دکتر یزدانی استاد مشاور، دکتر داود هرمیداس باوند و استاد بزرگوار کاوه بیات که راهنمای این تحقیق بودند، همچنین از خانواده به ویژه همسر خود قدردانی می کند.

معرفی منابع

منابع استفاده شده در این تحقیق به ترتیب زیر طبقه بندی و مورد بررسی قرار می گیرند:

۱ - منابع تاریخی :

این منابع کتابهایی هستند که با هدف ثبت و احیاناً تحلیل وقایع نوشته می شوند . کتب تاریخی این تحقیق دو نوع هستند: تواریخ اختصاصی و تواریخ محلی.

تواریخ اختصاصی

الف- تاریخ مشروطیت ایران اثر مهدی ملکزاده: نویسنده این کتاب نیز در دوره مشروطه می زیست که وقایع زمان خود را به صورت کتاب ارزشمندی نوشته است . این کتاب علاوه بر اشارات کلی و مختصر راجع به اوضاع مازندران در این دوره ، به ویژه راجع به آغاز استبداد صغیر و تلگراف علمای و خوانین مازندران به دولت و نیز راجع به مسیوپانف^۱ مجاهد معروف بلغاری مطالب مفید و جالب توجهی برای موضوع مورد بحث در رساله حاضر به دست می دهد .

ب- حیات یحیی نوشته یحیی دولت آبادی: نویسنده در این کتاب رخدادهای دوران زندگی خود را نوشته است . در دوره مشروطه یکی از مسائلی را که بازگو می کند تأسیس مدرسه خیریه، دارالایتام و انجمن معارف در اواخر دوره ی مظفری می باشد و در ضمن آن نقش میرزا کریم خان سوادکوهی را در تأسیس مراکز مذکور شرح می دهد. این بخش در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

تواریخ محلی

الف- تاریخ مازندران نوشته اسمعیل مهجوری: این کتاب به تاریخ مازندران از ابتدا تا دوره پهلوی پرداخته است. هنگامی که کتاب در سیر تاریخی خود به دوره مشروطه می‌رسد به نوعی برخی حوادث مازندران با استرآباد پیوند خورده است. این کتاب جز بهترین کتب نوشته راجع به تاریخ مازندران است و نویسنده به ویژه از دوره مشروطه به بعد غالباً مشاهدات مستقیم و یا غیر مستقیم خود را نوشته است و در موارد غیر آن نیز سعی کرده است از منابع معتبر استفاده کند. به این لحاظ در برای تحقیق حاضر مفید است.

ب- التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سوادکوه مازندران) نوشته محمد حسن اعتماد السلطنه: این کتاب را نویسنده در عهد ناصری نوشته است و دلیل نوشتن آن این بود که چون فوج سوادکوه محافظ ناصرالدین شاه بود همیشه صدر اعظم حاکم سوادکوه بود و در سفری که ناصرالدین شاه از سوادکوه به مازندران داشت میرزا علی اصغر خان صدر اعظم به اعتماد السلطنه گفته بود سوادکوه به منزله خانه من است. به همین خاطر اعتماد السلطنه این کتاب را نوشت.^۱ در این کتاب اعتماد السلطنه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و طبیعی سوادکوه پرداخته است و به همین خاطر در فصل اول این تحقیق از آن استفاده شده است.

۲- سفرنامه ها:

الف- سفرنامه مازندران و استرآباد اثر ه. ل. رابینو^۲: رابینو در آستانه مشروطه به مازندران و استرآباد مسافرت کرده است و مشاهدات خود را بصورت سفرنامه نوشته است. اگرچه به لحاظ سیاسی این سال ها جز سال های پر تکاپوی مشروطه است ولی در این کتاب چندان نشانی از این تحركات دیده نمی شود. نویسنده دلیل آن را این گونه بیان می کند که به دلیل مقام رسمی ای که داشته است خود را ملزم به خودداری از هر گونه اظهار نظر سیاسی یا بیان مطلبی با رنگ سیاسی کرده است. اطلاعات

۱- محمد حسن اعتماد السلطنه، التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سوادکوه مازندران)، تصحیح و پژوهش مصطفی احمدزاده، تهران: نشر فکر روز، ۱۳۷۳، ص ۱۵.

۲- H. L. Rabino

ریز اجتماعی و اقتصادی که در لابلای اطلاعات جغرافیایی مازندران آمده است برای تحقیق حاضر بسیار مفید است.

ب- سفرنامه ایران و روسیه «نواحی شمال ایران» ملگونف^۱: در سال های ۱۸۵۷ تا ۱۸۵۸ میلادی در طول دریا خزر مسافرت کرده است . ملگونف مسیر سفر خود را به طور دقیق توضیح می دهد و علاوه بر آن اطلاعات اجتماعی و اقتصادی، مناطق اطراف مسیر خود را نیز آورده است. اگرچه این سفر مربوط به ۵۰ سال قبل از موضوع این تحقیق است ولی به لحاظ اطلاعات جغرافیایی و طوایف مازندران بسیار مفید است.

ج- سفرنامه مازندران و وقایع مشروطه (رکن الاسفار) نوشته غلام حسین افصل الملک: یک سال پس از ماجرای بازگشت محمد علی میرزا نویسنده به عنوان رئیس دفتر ایالتی مازندران منصوب شد و به مازندران رفت و در این سفر مشاهدات خود را ثبت کرد که برای انجام این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

د- سفرنامه استرآباد ، مازندران، گیلان و ... اثر میرزا ابراهیم: میرزا ابراهیم این سفر را که همچون ماموریتی برای یکی از اتباع دولت انگلیس به نام ژنرال درن^۲ بوده است در فاصله رمضان ۱۲۷۵ . ق تا ذیقعدة ۱۲۷۷ . ق انجام داده است . او از جنوب وارد استرآباد شده است و صرفاً روستاها و محلاتی را که از آنها عبور کرده آورده و توصیف کرده است. او توصیفات خود را با دقت بسیار بیان می کند و از این رو در برخی موارد که منابع دیگر به آنها توجه نکرده اند بسیار مفید است .

و- سفرنامه تحف اهل بخارا ، نوشته میرزا سراج الدین حاجی میرزا عبدالرئوف: نویسنده بخارایی الاصل این سفرنامه در ابتدا تاجر بوده است و به واسطه تجارت به کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی رفت و آمد داشت . او پس از سرخوردگی از دنیای تجارت به طبابت روی آورد و پس از فراگیری این دانش ، در شهرهای مختلف

۱- Melgunov

۲- Dorn

به طبابت پرداخت . سفرنامه حاضر حاصل این سفرها برای طبابت است. میرزا سراج الدین همزمان با سرکوبی مشروطه خواهان تهران توسط محمدعلی شاه در تهران بود و در این زمان از طریق سمنان و شاهرود به استرآباد و مازندران رفت و وقایع دوران استبداد صغیر در مازندران را ثبت کرده است او در این زمان بانام دکتر صابر افغانی طبابت می کرده و این کتاب را به زبان فارسی و به لهجه بخارایی نوشته است.

۳- مطبوعات

جایگاه مطبوعات در شناخت تاریخ مشروطه ایران کاملاً روشن است و لازم به ذکر نیست .چنانکه از شواهد پیداست روزنامه های مجلس، ایران وحتی حبل المتین در مازندران مخبر داشتند که اخبار را جمع آوری و ارسال می کرد . در اینجا نشریاتی که مطالب قابل توجهی راجع به مازندران و سوادکوه در آنها درج شده است، معرفی می شوند:

الف- روزنامه مجلس: اولین شماره آن در ۸ شوال ۱۳۲۴ .ق چند ماه بعد از پیروزی انقلاب مشروطه و گشایش مجلس اول منتشر شد این روزنامه علاوه بر درج مذاکرات مجلس ، گزارش و تلگرافهایی از ایالات مختلف ایران در هر شماره می آورد. در بخش گزارش و تلگراف مطالب مفیدی راجع به مازندران دیده می شود. این روزنامه توسط کتابخانه ، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها در سال ۱۳۷۵ .ش تجدید چاپ یافت .

ب- حبل المتین: صاحب امتیاز آن مؤید الاسلام سید جمال الدین کاشانی بود و هر هفته در ۲۰ صفحه در کلکته منتشر می شد. این نشریه يك نشریه آزاد بود که گذشته از مطالب سیاسی و اجتماعی که راجع به ایران و کشورهای دیگر داشت، اخباری نیز از ایالات ایران درج می کرد و البته از مازندران نیز اخبار زیادی درج شده است که مفید و قابل توجه است.

ج- تربیت: این نشریه اولین بار در رجب ۱۳۱۴ ق. در تهران انتشار یافت و صاحب امتیاز آن ذکاء الملک فروغی بود. این هفته نامه تا ۹ سال یعنی محرم ۱۲۲۵ ق. به تعداد ۳۹۵ شماره منتشر شد. تربیت در مناطق مختلف کشور نماینده داشت. گزارشهایی که در مورد مدارس مازندران در تربیت آمده است برای بررسی اوضاع مازندران در سالهای قبل از مشروطه مفید است.

۴ - اسناد منتشر شده

الف- مخابرات استرآباد که توسط ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت گردآوری شده است: این کتاب حاوی گزارشهای حسینقلی خان مقصودلو ملقب به وکیل الدوله است که از سال ۱۹۰۸ م / ۱۳۲۶ ق. / آغاز می شود و تا ۱۹۲۴ م / ۱۳۴۳ ق. ادامه می یابد. با قرارداد ۹۰۷ بین روسیه و انگلیس عملاً و یلظهراً دست انگلیس از شمال کشور ایران کوتاه می شود، در نتیجه برای کسب اطلاع از اوضاع و حوادث این مناطق نیاز به نمایندگانی داشتند؛ که در استرآباد نماینده آنها وکیل الدوله بوده است.

وکیل الدوله با وسواسی بسیار تمام وقایع منطقه حتی وقایع ریز و بی اهمیت را در گزارشهای خود آورده و در نتیجه علاوه بر اطلاعات بسیار مفید سیاسی، اطلاعاتی نیز در زمینه های اقتصادی و اجتماعی در لابلای آن ها می توان یافت. بنابراین برای این تحقیق بسیار مفید است.

ب- اسناد امیر مؤید سوادکوهی به کوشش محمد ترکمان: در این کتاب محمد ترکمان اسناد مربوط به امیر مؤید سوادکوهی را از زمان ناصری تا کودتا ۱۲۹۹ ش. آورده است. بیشتر اسناد این کتاب از مجموعه اسناد کیوس باوند اخذ شده است و با توجه به اینکه امیر مؤید برجسته ترین شخصیت در این تحقیق است از این اسناد استفاده فراوان شده است.

ج- انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتاب آبی) به کوشش رحیم رضازاده ملک: این گزارشها از سال ۱۹۰۶ م. / ۱۳۲۴ ق. یعنی سال

پیروزی انقلاب مشروطه آغاز می شود و تا سال ۱۹۱۳ . م / ۱۳۳۱ . ق ادامه پیدا می کند . این گزارشها از مناطق مختلف ایران به تهران است . گزارشهایی که بعضاً از اوضاع مازندران می شود بسیار مفید و جالب توجه است . این گزارشها در جریان بازگشت محمد علی شاه و نیز فعالیت های سالار الدوله در این منطقه بیشتر دقیق تر است .

د- ظهیرالدوله در حکومت مازندران به کوشش ایرج افشار: اسناد این کتاب مربوط است به سومین باری که علی خان ظهیرالدوله به حکومت مازندران منصوب شده بود . این دوره بیش از چهار ماه و ده روز دوام نداشت . او برای فرونشاندن بحران سال ۱۳۲۸ . ق به مازندران فرستاده شد و اقدامات مؤثری در این زمینه انجام داد . از جمله مواردی که برای بررسی تحولات آن دوره مازندران ضروری به نظر می رسید اطلاعات کافی از حکومت ظهیرالدوله بود به همین دلیل اسناد این کتاب بسیار مفید واقع شد .

۵ - اسناد چاپ نشده

اسناد استفاده شده در این رساله با توجه به مراکز آنها ، به چهار دسته تقسیم می شوند:

الف- اسناد آرشیو وزارت امور خارجه: این دسته که حجم قابل توجهی از اسناد استفاده شده در این رساله را شامل می شود با اعداد خاصی طبقه بندی می شوند که به ترتیب از سمت چپ ، اولین عدد نمایانگر سالی است که سند در آن سال نوشته شده ، عدد دوم نمایانگر شماره کارتن حاوی سند مورد نظر که در آرشیو وجود دارد می باشد ، شماره سوم نشان دهنده شماره پوشه سند و شماره چهارم نمایانگر شماره صفحه سندی است که درون پوشه قرار گرفته است مانند : ۱۹ - ۹ - ۱۳ - ۱۳۲۲ ق .

ب- اسناد سازمان اسناد ملی: این دسته از اسناد به روش نسبتاً خوبی طبقه بندی شده اند و با داشتن شماره ردیف و محل در آرشیو به راحتی می توان به پرونده و سند مورد نظر دست یافت . مانند : شماره ردیف : ۲۹۳۰۰۰۸۳۵ ، محل در آرشیو ۱۳۳ ع ۳ ب الف ۱

ج- اسناد آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: این دسته از اسناد که تعدادی از آنها در این رساله مورد استفاده قرار گرفته است به این ترتیب طبقه بندی می شود که از سمت چپ اولین حرف و عدد نمایانگر کد پرونده موجود در آرشیو ، دومین عدد نشانگر پوشه سند مورد نظر و سومین عدد شماره خود سند است . مانند : ۹۱ – ۱ - ۱۹۶۱ ب .

د- اسناد ی که در آرشیو خانواده های محلی نگهداری می شد: از آن جمله اسناد کیوس باوند که توسط حسین صمدی نسخه برداری شده است؛ اسناد نادر باوند که توسط ایشان در اختیار قرار گرفت و همچنین خاطرات عطاخان کالیراد که به صورت دست نوشته است مورد استفاده قرار گرفت و به صورت کامل در بخش ضمایم (شماره ۱) آمده است. این خاطرات توسط نگارنده تصحیح شده و در فصل نامه اباختر در دست چاپ است.

فصل اول

مازندران و سوادکوه در دوره قاجار

درآمد

بی گمان جغرافیای طبیعی و اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی هر منطقه در بررسی رویدادهای پیش آمده در آن منطقه تأثیرگذار هستند. از این رو به عنوان فصل مقدماتی در اینجا سعی می شود این موضوع ها مورد بررسی قرار گیرد. بخش اول اوضاع جغرافیایی و طبیعی مازندران و سوادکوه است که پس از شرح کوتاهی درباره موقعیت جغرافیایی و تقسیم بندی نواحی، به اقلیم منطقه و جغرافیای تاریخی سوادکوه می پردازد. در بخش دوم مسائل اقتصادی منطقه نظیر محصولات کشاورزی، صنعت بافندگی و معیشت مردم مورد توجه قرار می گیرد. در بخش سوم اوضاع اجتماعی، مذهب، گویش، خصوصیات مردم، طوایف و چگونگی کوچاندن آنها به مازندران بررسی می شود. در بخش چهارم با موضوع حضور سوادکوهی ها در زد و خوردهای آقا محمدخان و بازماندگان زندیه شروع می شود. سپس حضور سوادکوهی ها در واقعه قلعه شیخ طبرسی که از وقایع مهم اوایل دوران ناصری در مازندران است مورد بررسی قرار می گیرد. در پایان به سوادکوه در عصر ناصری و عملکرد فرهنگی میرزا کریم خان سوادکوهی پرداخته می شود و سرانجام در پایان سخن استنتاجات نگارنده از این بخش نوشته می شود.

۱- جغرافیای طبیعی

الف- موقعیت جغرافیایی

مازندران بین ساحل جنوبی دریای خزر و رشته کوه البرز در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه واقع است حد غربی آن سرخانی رود و حد شرقی آن جرکلباد و شاه کوه بود. طولترین قسمت مازندران که از شرق به غرب است تقریباً ۸۰ فرسخ بود و پهن‌ترین قسمت آن در جنوب فرح آباد تقریباً ۱۷ فرسخ بود که يك سوم آن جلگه و بقیه کوهستانی شناخته شده است.^۱

در این دوره مازندران به سیزده ناحیه تقسیم می‌شد که عبارت بودند از: سوادکوه، هزارجریب، اشرف، فرح‌آباد، ساری، مشهد سر، بارفروش، آمل، لاریجان، نور، کجور، کلارستاق، تنکابن. از لحاظ اقلیمی این ایالت به دو منطقه متمایز تقسیم می‌شد: یکی جلگه‌های پر درخت که زمین آن پست و باتلاقی و غیرقابل عبور بود و دیگری ارتفاعات و کوههای جنگلی که در قسمت شمالی البرز وجود داشت. هر دو منطقه مزبور به واسطه آنکه از لحاظ طبیعی قابل نفوذ نبود عبور و مرور از میان آنها سخت و دشوار به نظر می‌رسید.^۲ رشته کوههای اصلی مازندران که فاصله آنها از دریا کم و زیاد می‌شود، بلند و بدون پوشش گیاهی است اما تپه‌های کوتاه تر با اقسام درختان جنگلی پوشیده شده اند و نشیب این تپه‌ها رفته رفته به جنگلهای انبوه می‌رسد.^۳ رودخانه‌های مازندران تماماً از دامنه‌های شمالی کوههای البرز فرو می‌ریزند به همین جهت طول هیچ يك از آنها زیاد نیست و بیشتر آنها

۱- هبل. رابینو، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۵، صص ۲۵-۲۴.

۲- همان، ص ۲۵.

۳- همان، صص ۲۸-۲۷.

نیز موقع خشکی هوا کم عمق‌اند ولی در فصل آب شدن برفها ممکن است ناگهان به وضع خطرناکی درآیند. اکثر رودخانه‌های مازندران ماهی فراوان داشت و مهمترین بندرگاه آن مشهدسر بود.^۱

ولایت سوادکوه عبارت از دو بلوک راستویی و ولویی و مشتمل بر یکصدپارچه ده بود. رابینو در این مورد می‌گوید:

«سوادکوه از دو دره تشکیل شده است یکی راست پی یا راست آب پی در مشرق و ولویی در مغرب یعنی ناحیه‌ای که در طرف راست آب و قسمتی که در طرف چپ آب است.»^۲

راستویی به پنج بلوک تقسیم می‌شد: ۱- سرخ رباط ۲- دوآب بالا ۳- خانقایی ۴- خانقاه ۵- راستویی کوچک. و ولویی به هفت بلوک تقسیم می‌شد: ۱- چرات ۲- اند ۳- آلاشت ۴- کارمزد ۵- کلاریجان و کمندین ۶- زیرآب ۷- کسیلان.^۳

لازم به ذکر است که اختلافها و درگیری طوایف این دو بلوک موجب اتفاقاتی شد که در تاریخ مازندران بسیار حائز اهمیت است.

ب- اقلیم

آب و هوای مازندران بسیار ناسازگار و ناملایم بود و بارانهای سخت و طوفانهای عظیم اتفاق می‌افتاد.^۴ رابینو در شرح آب و هوای مازندران می‌گوید:

«آب و هوای مازندران را عموماً بد می‌شمارند هوای آنجا بسیار متغیر است و از روی میزان طبیعی به فصلهای مرطوب یا خشک و سرد و گرم تقسیم نشده است یکسال چنین اتفاق می‌افتد که مدت يك ماه بدون انقطاع باران می‌بارد و در همان ماه سال بعد ممکن است هوا به کلی خشک باشد. با وجود اینکه مازندران به قدر

۱- رابینو، مازندران و استرآباد، صص ۲۸-۲۹.

۲- همان، ص ۷۸.

۳- محمدحسن اعتماد السلطنه، التدوین فی...، صص ۷۱-۷۳.

۴- عزالدوله، ملکونوف، سفرنامه ایران و روسیه «نواحی شمال ایران». به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ص ۱۰۰.

گیلان مرطوب نیست. باز باید آن را اقلیمی نمناك محسوب داشت زیرا در تمام مدت سال هیچ روزی امکان ندارد اهالی بتوانند به مساعدت بودن هوا اطمینان حاصل نمایند.^۱

ج- جغرافیای تاریخی و وجه تسمیه سوادکوه

قلمرو سوادکوه در گذشته‌های دور و نزدیک تحت تأثیر عوامل حکومتی و قومی دستخوش تغییر و تحولاتی قرار گرفت و چنانچه از نوشته‌های مورخان بر می‌آید اسامی و محدوده‌های متفاوتی به خود گرفت. به عبارت دیگر مرزهای آن گاهی شامل سرزمین‌های وسیعی می‌شد و گاه محدوده کوچکی را شامل می‌شد. اعتمادالسلطنه در این باره می‌نویسد:

«گاه با افزایش قدرت و قلمرو حکام محلی وسعت سوادکوه به کنار دریا می‌رسید به گونه ای که بارفروش و ساری جزئی از سوادکوه می‌شد و گاه با کاهش قدرت آنها قلمرو آنها نیز کوچک می‌شد و مناطق مذکور دیگر جزء سوادکوه محسوب نمی‌شدند.»

او در خصوص وجه تسمیه سوادکوه می‌نویسد:

«لفظ فرشوادگر قدیمی‌ترین اسمی است که از لغت اصلی این مملکت [سوادکوه] باقی مانده است و آن هم جز در مسکوکات ملوک مجوس آنجا و بعضی از تواریخ عتیقه‌ای آنها در جایی دیده و شنیده نمی‌شود.»^۲

بنابراین سوادکوه را پیش از اسلام فرشوادگر می‌نامیدند و نام فرشوادگر، فدشوارگر، پاتشوارگر و... در ادوار پیش از اسلام همه از ریشه فرشوادگر باستانی سرچشمه می‌گیرد که به مرور زمان تبدیل به سوادکوه شده است.^۳

۱- رابینو، مازندران و استرآباد، ص ۳۳.

۲- اعتمادالسلطنه، التدوین فی...، صص ۷۲-۱۸.

۳- اردشیر برزگر، تاریخ طبرستان پس از اسلام، [بی‌جا]: سازمان جوانان زرتشتی بمبئی، ۱۳۴۴، ص ۲۰۸.

عباس شایان در همین رابطه می‌نویسد:

« در دوره ساسانی سوادکوه «پزشخوارگر» نام داشت و سپس در دوره‌های بعد «بدشوارگر» و حکمران آن را بدشوارگر شاه می‌نامیدند و نام کوهستان این ناحیه را «پزشخوارکوه» گذاشته بودند و اندك اندك «فرشوارکوه» و «بدشوارکوه» شد و «فر» از آغاز آن افتاده (شواتکوه) سپس سواته کوه و سرانجام سوادکوه شده است.^۱

مورخان عرب سوادکوه را جبال شروین می‌نامیدند. آنچه مسلم است یکی از حکمرانان سوادکوه در صدر اسلام شروین بود و به احتمال قریب به یقین اعراب که ولایت سوادکوه را منطقه کوهستانی دیدند به اسم حکمران آن زمان شروین پسر سرخاب یکی از شهریاران نام‌آور باوندیان، جبال شروین خواندند.^۲

اعتمادالسلطنه در جای دیگر اشاره می‌کند که مرز و بوم سوادکوه به اسم یکی از کوههای مشهور آنجا مرسوم شده است و آن کوه در جنوب شرقی قصبه چرات واقع است و اهالی آن کوه را سوات گویند.^۳

۱- عباس شایان، مازندران، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۴، صص ۱۸-۱۹.

۲- اعتمادالسلطنه، التدوین فی...، صص ۱۲ و ۱۳.

۳- همان، ص ۱۷.

۲- اوضاع اقتصادی

الف- محصولات کشاورزی

سیاحانی که از سواحل جنوبی دریای خزر گذشتند خصوصیات آب و هوایی و محصولات آنجا را با هند مقایسه کردند. محصولات مازندران برنج، پنبه، نیشکر بود.^۱ به دلیل اینکه آب و هوای مازندران برای کشت برنج مساعد بود محصول عمده مازندران را برنج تشکیل می داد. زمین سالی یک بار محصول کامل می داد اما گاهی در بهار جو را برای اسب و گاو می کاشتند و سبز درو می کردند بعد برنج می کاشتند.^۲

میوه جات عمده مازندران عبارت بودند از پرتقال، نارنج، لیمو و لیموترش. همچنین در مازندران سیب، انار، به، گلابی، هلو، گردو و انگور هم وجود داشت. از مازندران پیله های ابریشم را از راه روسیه به میلان و مارسی صادر می کردند و مقداری ابریشم را هم در خود ایالت با نخ مخلوط می کردند و در کارگاه های محلی می بافتند. مقداری کتان نیز در نقاط ساحلی بدست می آمد و در فصل زمستان کارگران بسیاری از کوهستانها به نقاط ساحلی برای کار می آمدند.^۳

ب- صنعت (صنایع دستی)

در بلوک زرین آباد ساری چوخی سیار خوبی می بافتند که تارش از کج (ابریشم خام نتابیده) و پودش از ابریشم بود. در ساری عبای بسیار خوبی بافته می شد و عبادوز بسیار زیاد بود. آنها دور پشت یقه را با سوزن و قلاب گلابتون می دوختند. به طور کلی در مازندران چادر

۱- عزالدوله، ملکونوف، سفرنامه ایران و روسیه، ص ۱۰۰.

۲- رابینو، مازندران و استرآباد، ص ۳۴.

۳- همان، صص ۳۴-۳۵.

شب قرمز، شلوار قرمز، دستمال، چارقد، پیراهن زنانه از ابریشم و کج، شال کمر، چارقد، دستمال گلابتونی و ساده. شمد، پیراهن کتان، کلانمد، جاجیم، نمد زیرپا از پشم و کرباس از پنبه نیز بافته می‌شد.^۱

ج- معیشت در سوادکوه

غذای غالب در سوادکوه برنج بود و مردم آن مثل سایر نواحی مازندران مگر در ارتفاعات به خوردن نان گندم مایل نبودند.^۲ زراعت عمده اهالی سوادکوه در بیلاق گندم، جو و ارزن بود و در قشلاق برنج کاری می‌کردند و صنعت معتبر آنها ظروفی بود که از چوب می‌ساختند و از منسوجات چوخا(نوعی پارچه)، چادرشب و پارچه‌های کتان بود.^۳ محصولات دیگر که در سوادکوه تولید می‌شد پنیر، کشک و پشم بود.^۴

د- راه ها

دو راه از مازندران به داخل ایران از طریق البرز وجود داشت. یکی راه آمل به تهران که از دامنه شرقی دماوند عبور می‌کند و به وسیله گاستیگر^۵ خان مهندس اتریشی که در خدمت ناصرالدین شاه بود ساخته شد و دیگری راه بارفروش به تهران از طریق سوادکوه است که در امتداد جاده سنگ فرش قدیمی است و هر دو نسبتاً راه خوبی بود. راه سنگ فرش معروف به جاده شاه عباسی در سال ۱۰۳۱ ق. تمام شد. شاه عباس به میرزا محمدتقی، وزیر مازندران، دستور داد این جاده را از فرح آباد در کنار دریای خزر به خوار از طریق ساری، علی آباد، سوادکوه و هلی رود فیروزکوه بسازد که طول آن تقریباً ۴۵ فرسخ بود و به نُه منزل تقسیم می‌شد. يك جاده سنگ فرش دیگر در همان موقع از جاجرم به دشت مغان

۱- مسعود گلزاری، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و...، انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص ۱۰۲.

۲- اعتمادالسلطنه، التدوین فی...، ص ۷۵.

۳- همان، ص ۷۶-۷۵.

۴- عزالدوله و ملکونوف، سفرنامه ایران و روسیه، ص ۱۲۱.

۵- Gastiger

ساخته شده بود که از میان تمام ولایات ایران واقع در ساحل جنوبی دریای خزر عبور می کرد. برای سنگ فرش کردن این جاده زحمات زیادی کشیده شد و سراسر آن را با سنگهای درشت فرش کرده بودند ولی در دوره قاجاریه وضعیت این جاده بسیار نامناسب بود.^۱

۱- رابینو، مازندران و استرآباد، ص ۳۰.